

بررسی آرایه‌های ادبی و فنون بلاغی سوره الرحمن با تأکید بر تناسب واژگانی

فاطمه خاوری^۱

چکیده

قرآن کریم برنامه حیات بخش انسان و وسیله ارتباط با خداوند متعال است که در بالاترین درجه فصاحت و بلاغت قرار دارد و سبب جذب مخاطب و تأثیر آیات قرآن بر او می‌شود. سوره الرحمن به سبب زیبایی‌های ظاهری، معنوی و بیانی، از لحاظ آرایه‌ها و فنون ادبی مورد بررسی قرار گرفته است؛ چراکه این کار در سهولت درک معنای سوره، دست‌یافتن به هدف نزول آن و تعمیق ارتباط انسان با مبدأ جهان هستی مؤثر است. در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، علت وجود آرایه تکرار در این سوره، تأثیر آرایه‌هایی همچون مقابله و فاصله در معنا و مفهوم، مؤلفه‌های تناسب واژگانی این سوره، شیوه‌های رستاخیز کلمات یا متن بررسی شد. نتایج نشان داد این سوره دربردارنده آرایه‌هایی همچون استعاره، مجاز، کنایه، حس‌آمیزی، تشخیص، ایجاز و حذف است. مهم‌ترین دلیل تکرار، اهدافی مانند یادآوری و به چالش کشیدن انس و جن است. برترین تناسب در این سوره، واژه‌های مثنی مختوم به «ان» که آهنگی زیبا را طنین‌انداز کرده، افزون بر آن واژه‌های غیر مثنی منتهی به «ان» هم با ایجاد فضای تشنیه در تار و پود آیات، آهنگی گوش‌نواز را به روح شنونده ارزانی می‌کند. همچنین تلفیق دو صنعت مقابله و فاصله که زیبایی دو چندان به تلاوت سوره بخشیده است.

واژگان کلیدی: آرایه‌های ادبی قرآن، فنون بلاغی، سوره الرحمن.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.



قدرت نطق، تکلم و تعقل از ویژگی برتر انسان است که او را از سایر حیوانات متمایز می‌کند. بی‌تردید به همین دلیل، خداوند متعال به واسطه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قرآن را که در بالاترین درجه فصاحت و بلاغت قرارداد برای بشارت و انذار فرو فرستاده است؛ چراکه بلیغ بودن کلام و برخورداری از آرایه‌ها و فنون ادبی سبب جلب توجه مخاطب و تأثیر کلام بر او خواهد شد و قرآن کریم از این نظر دارای اعجاز ادبی است. آرایه‌های ادبی که سبب زیبایی کلام و تأثیر آن در مخاطب می‌شود می‌تواند شامل مقابله، فاصله، استعاره، تشبیه، سجع، جناس و غیره باشد که این موارد در قرآن به‌طور گسترده و به وفور یافت می‌شود.

با توجه به اینکه سوره الرحمن که به دلیل زیبایی‌های کلامی آن به عروس قرآن معروف است، در پژوهش حاضر انواع آرایه‌های ادبی و فنون بلاغی با بررسی تناسب واژگان به کاررفته در این سوره مورد بررسی قرار گرفت. این امر سبب سهولت درک معنای سوره و دست‌یافتن به هدف نزول آن می‌شود. این سوره تجلی رحمت خداوند به انسان است و آشنایی با مفاهیم ظاهری و باطنی آن سبب انس بیشتر انسان با معبود جهان هستی می‌شود و از این رهیافت، سبب هدایت او به سوی کمال خواهد بود. براین اساس، در مقاله حاضر به چند سؤال اصلی پاسخ داده شد. از جمله: علت وجود آرایه تکرار در سوره الرحمن چیست؟ آرایه‌هایی همچون مقابله و فاصله چه تأثیری در معنا و مفهوم سوره دارد؟ تناسب واژگانی در این سوره شامل چه مؤلفه‌هایی است؟ رستاخیز کلمات یا زنده کردن متن به چه شیوه‌هایی صورت گرفته است؟

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با رجوع به کتب ادبی و تفسیری، مجلات علمی با عناوین و موضوعات بررسی آرایه‌های ادبی و فنون بلاغی سوره الرحمن با تأکید بر تناسب واژگانی آن انجام شد. با بررسی پیشینه پژوهشی موضوع مورد بررسی مشخص شد که مقالاتی در مورد فنون بلاغی سوره الرحمن نگاشته است از جمله: مقاله «بررسی ساختار وجه سوره الرحمن براساس نظریه نقشی نظام‌مند هلیدی» (رحمتی و قیطوری، ۱۴۰۰) و مقاله «تأملات فی اسلوب التکرار القرآنی فی ضوء سوره الرحمن» (الخرائط، ۱۳۹۱). این پژوهش به خاطر ارائه تصویر

کلی از آرایه‌های ادبی و فنون بلاغی سوره الرحمن و بیان زیباشناسی و فواید آرایه تکرار و تناسب واژگان دارای نوآوری است.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. فنون ادبی و هنری

فنون جمع «فن» و چگونگی به کارگیری و گزینش الفاظ قرآنی و تأثیر آن در جذب مخاطب و آفرینش‌های هنری به کار رفته در آن است. این فنون به دو دسته تقسیم می‌شود: نخست، تناسب‌های آوایی یا محسنات لفظی (مانند واج‌آرایی، جناس، سجع، ترصیع، تکرار، قلب یا عکس و فاصله)؛ دوم، تناسب معنایی یا محسنات معنوی (مانند طباق، مقابله، مراعات نظیر، تسهیم یا ارساد، تشخیص، تناقض، تضاد، تلمیح، تضمین، ایهام، حسن تعلیل، لف و نشر، نماد و مشاکله). به عبارت دیگر، بررسی ادبی قرآن بر این مسئله متمرکز است که در قرآن چه قالب و صورتی یا چه زبان، سبک و ساختاری برای انتقال پیام، محتوای قرآن و جهان‌ینی، ارزش‌ها و قوان آن به کار رفته است.

۲-۲. زیبایی‌شناسی

در طول تاریخ، ناقدان و اهل فن در عرصه‌های مختلف از دو دیدگاه به مبحث زیبایی‌شناسی پرداخته‌اند: بعضی «صورت پرست‌اند و فقط صورت را می‌بینند و از معنا غافل‌اند و گروهی که بسیار اندک‌اند، به معنا می‌نگرند و از صورت نیز غافل نیستند» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۷). در حوزه ادبیات، زیبایی‌شناسی عبارت است از: نیکویی، شکوه، برجستگی، تناسب، دقت در نظم و ترتیب چینش صفات زیبا در شکل، مضمون، وظیفه و هدف» (جمعه، ۲۰۰۵). از این تعبیر دریافت می‌شود که زیبایی، تلفیقی از صورت و معناست و وجود هریک از این دو، در صورت نبود دیگری نمی‌تواند نیازهای مخاطب را برآورد.

زیبایی‌شناسی در نص قرآنی عبارت است از: بررسی زیبایی در تمام ابعاد آن و دیدن جلال و کمال مطلق در تمام سبک‌های ممکن؛ از این نظر که کلام الهی از نوع معجزه است و بیشترین

اثر را در روح آدمی برجای می‌گذارد، چنانکه می‌توان این کتاب آسمانی را به عنوان مبنایی برای ارزش‌گذاری نوآوری‌های ادبی بشر مورد توجه قرارداد. (جمعه، ۲۰۰۵)

۲-۳. تناسب واژگان

«مناسبت» در لغت به معنی همگونی و نزدیک به هم بودن است و در آیات و مانند آنها به معنایی بر می‌گردد که میانشان ربط ایجاد می‌کند؛ این رابط یا عام است یا خاص، یا عقلی است یا حسی یا تلازم ذهنی، مانند سبب و مسبب، علت و معلول، نظایر، اضداد و غیره چیزهای دیگری از این قبیل. (سیوطی، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۲/۱۰۸) بحث درباره نظم و نوع گردآمدن مطالب قرآنی در کنار هم و انسجام یا ناهماهنگی آنها را باید از جمله مسائلی شمرد که دانشمندان اسلامی از دیرباز به آن توجه داشته‌اند. هرچند نظریه‌پردازان مسلمان اعجاز قرآن را قطعی و مسلم انگاشته، اما گاهی در وجوه اعجاز با هم اختلاف دارند؛ بیشتر آنها اصلی‌ترین عنصری که معجزه بودن قرآن را اثبات می‌کند، سبک بیانی خاص این کتاب آسمانی می‌دانند. باین حال برخی همچون نظام معتزلی، در مقابل نظریه ذکر شده معتقدند: «اعجاز قرآن صرفاً در پشت غیبگویی‌های آن نهفته است و نظم و تألیف آن در دسترس بشر قرار دارد، اما اراده خداوند آدمی را از دست زدن به گردآوری سخنانی همانند آن باز داشته‌است» (درویش الجندی).

آنچه در مورد اعجاز قرآن بیشتر جلب نظر می‌کند درجه تشابه و پیوند معنایی میان موضوعات مطرح شده در یک سوره است؛ زیرا به ندرت اتفاق افتاده است که مطلبی به‌طور کامل در یک آیه بیان شده باشد و به همین دلیل آیات متعددی به دنبال آن و راجع به همان موضوع می‌آید تا مفهوم آیه را تأکید کند، یا آن را تفسیر یا توضیح دهد، یا استثنایی برای آن بیاورد، یا منحصر بودن مصادیق را تفصیل بیشتری بخشد. در نتیجه این چگونگی هاست که آیاتی که در یک سیاق قرار دارند اغلب به‌طور آشکار همانند و جفت یکدیگر به نظر می‌آیند. گاه نیز هماهنگی و همگونی تصویری در ارائه مناظری از طبیعت می‌تواند وجه ارتباطی آیات شمرده شود. نمونه این نوع هماهنگی به خوبی در آیاتی که از بلندای آسمان و شکوهمندی و

پهنآوری کره خاک و برجستگی کوه‌ها سخن رفته نمودار است. امروزه علاوه بر تناسب آیات، تناسب بین واژگان نیز مورد بررسی و کنکاش محققان و پژوهشگران قرآنی قرار دارد و به زیبایی‌های لفظی آن پرداخته می‌شود؛ چراکه چگونگی ترکیب و چینش واژگان نیز بسیار مهم است و بافت موقعیتی یک کلمه در جلوه آن اثری بی‌بدیل دارد. شیخ عبدالقاهر جرجانی معتقد است که آنچه در فصاحت و بلاغت شرط است، جایگاه کاربرد واژه است و بدون نظر به مکانی که واژه در تألیف و نظم سخن دارد و بدون در نظر گرفتن سازگاری معنای یک‌واژه با معانی همسایگان خود، نمی‌توان گفت که این کلمه فصیح است و آن دیگری فصیح نیست؛ فقط می‌توان گفت که این واژه مأنوس یا نامأنوس است یا سبک و خوش ترکیب است. (جرجانی، ۱۴۲۲هـ.ق)

گاه قرآن الفاظی ادبی را به کار می‌گیرد که یا به سبب تناسب موسیقایی که با متن دارند و یا به دلیل معنای دقیقی که می‌رسانند و از واژه دیگر ساخته نیست، کلمه دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود؛ مانند کلمه «إِدا» در «لقد جئتم شیئا ادا» (مریم: ۸۹) که به معنای امر بزرگ است و با دیگر فواصل هم جوار مانند «هدا» تناسبی نیکو دارد. (بدوی، ۲۰۰۵)

۳. صفات واژگانی قرآنی

ویژگی‌های گوناگونی در انتخاب و چینش واژگان و کلمات قرآن به کار رفته است. مطالعه این ویژگی‌ها افزون بر اینکه سرآمدی و وحیانی بودن قرآن را اثبات می‌کند، نشان‌دهنده اهمیت واژه در عرصه سخنوری است و معیارهایی را می‌شناساند تا در واژه‌گزینی از آن بهره گرفته شود. برخی این صفات را تا ۱۰ مورد برشمرده‌اند (ر.ک.، مختار عمر، ۱۴۱۸هـ.ق) و بی‌شک بیش از آن می‌تواند باشد. شماری از آنها عبارتند از:

- همخوانی بافت‌آوایی واژگان و زیبایی شنیداری آنها و تهی بودنشان از تنافر و ناسازگاری حروف؛

- به کارگیری موسیقایی و سایه معنایی واژگان در پربار ساختن معنای کلمات به طوری که پیش از آنکه مدلول کلمه بیانگر مقصود باشد، آوای آن معنا را تداعی می‌کند؛
- اعتدال در ترکیب؛ به گونه‌ای که بیشتر واژگان قرآن در معدل‌ترین ترکیب آمده‌است؛ یعنی بیشتر از ثلاثی استفاده شده که با حرفی آغاز و با حرف دیگر تمام می‌شود و در این میان حرف سومی واسطه آن دو قرار می‌گیرد. این درحالی است که رباعی در قرآن کم بوده و خماسی جز واژگان معرب در آن وجود ندارد؛

- خالی بودن از الفاظ غریب و ناخوشایند که سبب فهم سریع آیات می‌شود؛
- دقت در استعمال؛ به گونه‌ای که گویا با کاربرد واژگان و دلالت دقیق آنها، زبان قرآن فوق لغت است؛
- لحاظ کردن فرق‌های ظریف میان واژگانی که توده اهل زبان آنها را مترادف و مطابق می‌دانند.

یکی از عناصر سازنده اعجاز قرآن، همگون، هم‌آوا و همساز بودن کلمات به کار رفته در ترکیب عبارات آن است؛ به طوری که هیچ‌گونه ناسازگاری و ناهموازی در آهنگ و تلفظ میان الفاظ یافت نمی‌شود بلکه همگی به هم پیوسته و منسجم است و کلمات آن یکی پس از دیگری، به سهولت و روانی ادا می‌شود و نظم آهنگی باشکوه و زیبا و هماهنگ با معنا دارد.

۴. آشنایی با سوره الرحمن

«الرحمن» از نام‌های خداوند سبحان است و غیر خدا با آن توصیف نمی‌شود. این نام ۱۶۹ بار در قرآن مجید آمده و اکثریت قریب به اتفاق اهل لغت و تفسیر آن را کلمه عربی و مشتق از رحمت به معنای احسان‌کننده و نعمت‌دهنده دانسته‌اند. (قرشی، ۱۳۷۱، ۷۲/۳) نام عروس قرآن از حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله براین سوره نهاده شده است. همچنین به خاطر تکرار آیه «فبأی آلاء ربکما تکذبان» به این سوره «آلاء» نیز گفته می‌شود. این سوره شامل مفاهیمی همچون فناء

همه موجودات، یادآوری رستاخیز و نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های جهنم و یادآوری نعمت‌های بزرگ است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۴۱، ۲۰/۱۱۷)

اساسی‌ترین اهداف این سوره عبارتند از: یادآوری توحید و مبدأ هستی و یادآوری رستاخیز و نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های جهنم. (رضایی اصفهانی، ۱۳۴۱، ۲۰/۱۲۰) سوره الرحمن، سوره نعمت‌ها و رحمت‌های الهی است. دعوت خداوند متعال به دین الهی هرچند در برخی از موارد با تهدید و هشدار همراه است، ولی بسیار پیش می‌آید که خداوند با ذکر نعمت‌هایی که به انسان‌ها داده و نیز تکرار آنها، ذهن انسان‌های آزاده را به فکر وادار می‌دارد. سوره الرحمن نیز به همین غرض و در زمان تقابل مسلمانان با مشرکان نازل شده است تا هر دو گروه به یاد نعمت‌های الهی بیفتند و موجب ترغیب مشرکان به اسلام و نیز افزایش ایمان و اطمینان مسلمانان شود. این سوره در چینش کنونی قرآن پنجاه و ششمین سوره است، ولی در ترتیب نزول نود و هفتمین سوره می‌باشد.

۵. آرایه‌ها و فنون ادبی به کار رفته در سوره الرحمن

۵-۱. مقابله

یکی از انواع فنون ادبی - بلاغی مقابله است که در ادبیات عربی و به ویژه در قرآن کریم به بهترین شکل به کار رفته است. در تعریف مقابله گفته شده است: «تقابل یعنی، اجتماع دو یا چند معنا در یک سو و سپس آوردن معنای مقابل آن در سوی دیگر» (محمود یاسین، ۱۴۱۸ ه.ق). پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «إن الرفق لا يكون في شيء إلا زانه ولا نزع عن شيء إلا شانه؛ رفق در هر چه باشد آن را مزین می‌کند و از هر چه گرفته شود زشت می‌شود» (طبرسی، ۱۳۸۵). محمود یاسین (۱۴۱۸ ه.ق) در کتاب من روائع البدایع، مقابله را به پنج نوع تقسیم کرده است: مقابله دو به دو، مقابله سه به سه، مقابله چهار به چهار، مقابله پنج به پنج. هیچ یک از محققان و اهل فن در اینکه صنعت تقابل از دل مفهوم طباق به معنای رویارویی دو واژه متضاد بیرون

آمده شکی ندارد، اما برخی از ناقدان و علمای بلاغت، ابعاد و مفاهیم دایره شمول مقابله را افزایش داده و تفاوت‌هایی بین تقابل و طباق قائل شده‌اند. (جمعه، ۲۰۰۵)

تفاوت میان مقابله و طباق آن است که طباق جمع بین دو لفظ متضاد صورت می‌گیرد، اما مقابله معمولاً بین چهار تا ده لفظ واقع می‌شود. (محمود یاسین، ۱۴۱۸ هـ.ق) تفاوت دیگر اینکه طباق فقط میان اضداد است در حالی که مقابله هم میان اضداد است و هم غیر اضداد. اصطلاح مقابله دارای صفت شمولی است و نمی‌توان آن را در مفهوم طباقی محدود کرد. این اصطلاح دارای صفت جمع برای اسلوب توازن، تماثل، نگارگری، ازدواج، ارداف، تناسب و تناظر است. کاربرد مقابله در قرآن زیبایی‌ها و حکمت‌های فراوان دارد که یکی از آنها کمک به فهم معنای آیات است. برای مثال در سوره آل عمران آمده است: «فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان آمناً و لله علی الناس حج البیت من استطاع إلیه سبیلاً و من کفر فإن الله غنی عن العالمین؛ در آن نشانه‌های روشنی است از جمله مقام ابراهیم، و هر که وارد آن شود ایمن است. و حق خدا بر مردم است که قصد زیارت این خانه کنند، کسی که بتواند به آن راه یابد، و هر که کافر شود. قطعاً خدا از جهانیان بی‌نیاز است» (آل عمران: ۹۷). در این آیه خداوند متعال عبارت «و من کفر» را به جای «و من لم یحج» که از سیاق جمله و بحث مقابله قابل فهم است به کار برده تا میزان زشتی عدم التزام به حکم الهی را بیان کند (زمخشری، ۱۴۱۸ هـ.ق). یکی دیگر از زیبایی‌های تقابل تحقق انتظار مخاطب در حلقه دوم کلام پس از تلاشی ذهنی برای یافتن حلقه تمام‌کننده بخش اول آن است.

برخی از موارد مقابله در سوره الرحمن عبارتند از:

- دو نوع علم: «علم القرآن؛ به او قرآن یاد داد» (الرحمن: ۲)؛ «علمه البیان؛ به او بیان (آنچه در دل است) را آموخت» (الرحمن: ۳). گفتنی است که در این دو آیه تناسب واژگانی بین حروف آخر کلمه قرآن و بیان دیده می‌شود.

- دو چراغ: «الشمس و القمر بحسبان؛ خورشید و ماه برابر حساب منظمی در گردش و چرخش است» (الرحمن: ۵).

- دو رویکرد درباره وزن: «وأقيموا الوزن بالقسط ولا تخسر الميزان؛ در وزن کردن و برکشیدن به عدالت رفتار کنید و از ترازو نگاهید (کم فروشی نکنید)» (الرحمن: ۹).

- چستی ماده خلقت دو موجود: «خلق الانسان من صلصال كالفخار؛ انسان را از گل خشکیده‌ای همچون سفال آفریده است»؛ «خلق الجان من مارج من نار؛ و جن را از زبانه شعله و آتش خلق نموده است» (الرحمن: ۱۴ و ۱۵). قابل ذکر است که در این دو آیه، گل خشکیده و شعله آتش هیچ سنخیتی با هم ندارند؛ نه نظیر هم هستند و نه نقیض هم، این موضوع نشان می‌دهد که در اینجا از تقابل خلافی استفاده شده است.

- جمع و افراد: «کل من علیها فان؛ همه چیزها و همه کسانی که بر روی زمین هستند، دست خوش فنا می‌شوند»؛ «ویبقى وجه ربک ذو الجلال و الاکرام؛ و تنها ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می‌ماند و بس» (الرحمن: ۲۶ و ۲۷).

- دو نوع سرنوشت: فضای کلی سوره پس از آیه ۳۵ نشان‌دهنده این موضوع است؛ آشکار بودن سرنوشت دو گروه: «فیومئذ لایسئل عن ذنبه إانس ولا جان؛ در آن روز هیچ پری و انسانی از گناهش پرسش نمی‌شود» (الرحمن: ۳۹)؛ زیرا آن روز زمان تخریب جهان است و نه وقت سؤال یزدان.

- دو بهشت که پایین‌تر از دو بهشت قبلی‌اند: «و من دونهما جنتان؛ جدا از باغ‌های پیشین، باغ‌های دیگری وجود دارد» (الرحمن: ۶۲).

- دو صفت حوریان بهشتی: «حور مقصورات فی الخیام؛ سیاه چشمانی که هرگز از خیمه‌ها بیرون (به دنبال کارهای ناپسند) نمی‌روند» (الرحمن: ۷۲).

- اسم و مسمأ: «تبارک اسم ربک ذو الجلال و الاکرام؛ نام پروردگار بزرگوار و گرامی تو چه مبارک نامی است» (الرحمن: ۷۸).

- دو وصف برای خداوند متعال: «ذی الجلال و الاکرام» (الرحمن: ۲۷).

۵-۲. فاصله

فاصله در قرآن از نظر معنا و آهنگ تأثیرگذار است و در واقع، موسیقی قرآنی پرتوهایی از نظم خاصی است که در جای جای این کلام معجز به وضوح قابل رویت می‌باشد. (زوبعی، ۱۹۹۶). می‌توان گفت که فاصله و موسیقی منحصر به فرد قرآن در نگارگری معنا و اثرگذاری بر حس مخاطب نقش مهمی دارد به طوری که گاهی حربه مشرکان در برابر تأثیر کلام الهی این گونه بیان شده است: «مشرکین عرب، مردم را از گوش دادن به قرآن منع می‌کردند تا جذب کلام الهی نشوند و شیرینی آن را نچشند و همین مطلب امروزه گاهی با عنوان موسیقی قرآن خوانده می‌شود» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱).

سوره الرحمن یکی از سوره‌های آهنگین قرآن است و بنا بر قول محققان شاید بارزترین سوره‌ای که در آن موسیقی زیبای آیات مشهود است، سوره الرحمن باشد. واژه‌های مثنی مختوم به «ان» در جای جای این سوره آهنگی زیبا را طنین انداز کرده است. همچنین واژه‌های غیر مثنی منتهی به «ان» هم با ایجاد فضای تشنیه در تار و پود آیات این سوره آهنگی گوش نواز را به روح شنونده ارزانی کرده‌اند. نگاهی کلی به آیات این سوره نشان می‌دهد که بیشتر آیات آن به «ان» ختم شده‌اند؛ به بیان دقیق‌تر، از مجموع ۷۸ آیه این سوره، تعداد ۶۷ آیه مختوم به «ان»، هفت آیه مختوم به «ام»، دو آیه مختوم به «ار»، یک آیه مختوم به «ین» ما قبل مفتوح و یک آیه نیز مختوم به «ون» است. در این میان، حروف «ن» و «ر» هم مخرج‌اند و در علم تجوید آنها را به اضافه حرف «لام» حروف ذلّقی می‌نامند. حرف «م» نیز با این حروف قریب‌المخرج است و با دو حرف «واو» و «باء» مجموعه حروف شفوی را تشکیل می‌دهند. بنابراین، می‌توان گفت که آهنگی یک پارچه برفضای این سوره حاکم است.

یکی از ویژگی‌های ناشی از کاربرد تشنیه در این سوره، این است که در تعابیر قرآنی هر جا منظور از «جَنه» باغ بهشت باشد این واژه به شکل مفرد (جَنه) آمده و یا به شکل جمع (جَنات)، اما «الرحمن» تنها سوره‌ای است که این لفظ در آیات ۴۶، ۵۴ و ۶۲ آن به صورت مثنی به کار رفته است. البته لفظ «جَنه» در برخی سوره‌های دیگر نیز به شکل مثنی آمده است، اما در آن

موارد باغ دنیایی مورد نظر است و در هیچ جای قرآن شکل مثنای این لفظ به معنای بهشت نیامده است.

گفتنی است که مقابله دو گانه که در کل سوره الرحمن دیده می شود با فضای تشبیه ناشی از فاصله «ان» و کلمه هایی شبیه به تشبیه عجین شده است، به گونه ای که همه الفاظ این سوره نمادهایی از دوگانگی است. بنابراین، تصویر معانی دو گانه و نگارگری الفاظ مثنی عامل ارتباط بین این دو صنعت ادبی در کلام الهی است. تلفیق این دو صنعت، زیبایی دو چندان به موسیقی این سوره بخشیده و دریافت معنا را دلچسب تر و زیباتر کرده است و تناسب واژگانی خیره کننده ای به آن بخشیده است.

۵-۳. عنصر تکرار

یکی از ویژگی های ظاهری قرآن تکرار برخی قسمت ها در آن است. به طور کلی این تکرار در قرآن به دو نوع تقسیم می شود: تکرار یک قصه و تکرار یک آیه یا قسمتی از یک آیه. در مورد علل این تکرارها موارد گوناگونی ذکر شده است. از جمله: احتیاج انسان به جدل، برتری برخی آیات تکراری بر دیگر آیات، مخاطبان گوناگون، تحریف قرآن، موعظه و تذکار، حفظ آهنگ سوره، لازمه دواء و شفاء قرآن، قابلیت وقایع نگاری برای نتیجه گیری های گوناگون.

عنصر تکرار در سوره الرحمن در آیه «فبأی آلاء ربکما تکذبان» و تکرار در دو آیه «فیهن قاصرات الطرف لم یطمثهن إانس قبلهم ولا جان» (الرحمن: ۵۶) و «لم یطمثهن إانس قبلهم ولا جان» (الرحمن: ۷۴) است. محققان علت اکمل در تکرار آیات این سوره را برتری برخی آیات تکراری بر دیگر آیات ذکر کرده اند خلاصه آن چنین است: همه آیه های قرآن از نظر شأن و مقام مساوی هستند؛ چون همه آنها از یک منشاء سرچشمه گرفته اند. در مقابل، عده دیگری معتقدند که برخی آیات قرآن بر سایر آیات افضلیت دارند؛ مانند روایاتی که برای خواندن بعضی قسمت های قرآن امتیازاتی قائل شده است و بعضی دلائل عقلی دیگر و علت تکرار برخی آیات سوره الرحمن هم همین دلیل خواهد بود. آنچه در مورد تکرار آیات در این سوره به نظر می رسد

این است که انس و جن به‌طور یکسان مورد خطاب قرار گرفته و به چالش کشیده شده‌اند که آیا توانایی انکار نعمت‌های خداوند را دارند؟ چالشی که پس از اعلان هر یک از نعمت‌ها به صورت جداگانه تکرار می‌شود و در صدد این است که بگوید کل این جهان و ساحت جهان دیگر همه و همه تابع اوست؛ این در ساختار کلی سوره و در فواصل متعددی منعکس شده است و به‌طور کلی سوره در صدد شمردن ملموسات رحمت عام الهی و نمایش‌دهنده آلاء الرحمن است.

۵-۴. تصویرگری

قوانین در حوزه کاربرد زبان از قبیل مجاز استعاره تشخیص کنایه و حس آمیزی است که در آیات سوره الرحمن از منظر سبک‌شناسی فرمالیسم، مورد تحلیل و تعلیل قرار گرفته است. شفیعی کدکنی که سبک فرمالیستی را ابداع نمود در این مورد بیان می‌کند: «هیچ سبکی را جز از طریق مقایسه نرم و درجه انحراف آن از نرم نمی‌توان تشخیص داد و در یک کلام، سبک یعنی انحراف از نرم و در مطالعه نرم و انحراف از آن، بودن یا نبودن یک عنصر یا چند عنصر چندان اهمیت ندارد که بسامد آن عنصر یا عناصر» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶). همچنین می‌گوید: «زیبایی یک اثر در ترکیب و نظامی است که اجزای آن اثر در ارتباط با یکدیگر و در طرح کلی ساختار آن دارند، چیزی که جمال‌شناسی معاصر و نقد ادبی جدید توجه بسیاری به آن دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱). کمال ابوادیب، خاستگاه زیبایی را سیستم یا نظامی می‌داند که از ترکیب اجزای خاص زبانی و معنایی کنار یکدیگر به وجود می‌آید (ابوادیب، ۱۳۹۴).

۵-۵. استعاره

«استعاره»، مجازیست که علاقه‌اش مشابهت است. (سیوطی، ۱۳۹۲، ۱۴۲/۲) استعاره در تغییر اشیای معنوی به صورت‌های حسی، مانند تشبیه است و آن را مرئی یا شنیدنی یا ملموس و یا چشیدنی می‌کند و احساس را به صورت قوی و کامل برانگیخته می‌سازد (عبدالقادر، ۱۴۰۵). زبان‌شناسان معاصر استعاره و مجاز را فقط به مثابه شگرد هنری نمی‌نگرند بلکه این دو را

مسئله‌ای زبانی می‌دانند؛ زیرا این دو فرآیند، بخش بزرگ مکالمات روزمره را به خود اختصاص می‌دهند. در استعاره دو محور قابل بررسی است: محور هم‌نشینی که معنی لفظی مستعار در متن فهمیده می‌شود و دیگری محور جانشینی که معنی مجازی استعاری در آنجا قابل بررسی است (سلاجقه، ۱۳۸۹).

در ذیل به برخی آیات که در آن استعاره به کار رفته است اشاره می‌شود:

- «و النجم و الشجر یسجدان؛ و گیاه و درخت سجده می‌کنند». (الرحمن: ۶) خداوند در این آیه با استعاره و جانبخشی و با هدفی خاص، در عین موجز بودن کلام، سجده غیر انسان بر خداوند را به شجر و نجم نسبت می‌دهد. این در حالی است که سجده مختص انسان و عملی است که موجود جاننداری چون انسان آن را به جا می‌آورد.

- «مرج البحرين یتلقیان؛ و دو دریا را با هم قرار داد که در تماسند»؛ «بینهما برزخ لا یتغیان؛ در میان آن دو فاصله‌ای که در هم نمی‌آمیزند» (الرحمن: ۱۹ و ۲۰). این آیات از طریق استعاره منظره و تصویر شگفت‌آوری برای مخاطب خلق و فضایی مناسب برای انتقال پیام ایجاد می‌کند. دو دریای بزرگ متلاطم و فراگیر و پرآب و مایع در حال جریان فرستاده شده که آن دو از نزدیک همدیگر را ملاقات می‌کنند درحالی که هیچ آمیختگی بین آن دو وجود ندارد و حاجزی وجود دارد که آن دو را از اغراق منع می‌کند و مانع اختلاط می‌شود.

- «و یتقی وجه ربك ذو الجلال و الإکرام؛ و تنها ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی می‌ماند». (الرحمن: ۲۷) خداوند در این آیه با استعاره، توسعه زبانی ایجاد نموده است و با ایجاد کلام، معنای پر باری را با کم‌ترین واژه‌ها به مخاطب منتقل نموده و موجب جلب توجه مخاطب شده است. واژه «وجه» در اصل به معنای صورت و عضوی از اعضای بدن است (اصفهانی، ۱۳۸۱، ذیل و-ج-ه) و بر سطح بیرونی هر چیز اطلاق می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۱۴۳/۷).

- «سنفرغ لکم آیه الثقلان؛ ای انسان و جن به زودی به حساب شما می‌رسیم». (الرحمن: ۳۱) فراغت برای انسان زمانی ایجاد می‌شود که کاری را به پایان برساند درحالی که این معنا در

خداوند شأنیت ندارد بلکه الله تعالی در اینجا معنای دیگری را اخذ کند و آن اینکه: «ما به زودی بساط نشاء اول خلقت را در هم می‌پیچیم و به کار شما می‌پردازیم. آنگاه آیات بعدی بیان می‌کند که منظور از مشغول شدن خدا به کار جن و انس این است که ایشان را مبعوث نموده و بر طبق اعمالشان جزا داده خواهند شد؛ خیر باشد خیر، و شر باشد شر. پس فراغ برای جن و انس تعبیری استعاری از تبدیل نشاء دنیا به نشاء آخرت است» (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۱۷۸/۱۹).

- «و السماء رفعها و وضع المیزان؛ و آسمان را برافراشت و (در آن) میزان قرارداد» (الرحمن: ۷): اطلاق «میزان» به «عدل» به سبب استعاره از باب «مشابهت معقول به محسوس» است (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ۲۲۲/۲۷). از باب استعاره مفهومی، «میزان» ابزاری است که حوزه مفهومی مبدأ را تشکیل داده است.

۵-۶. مجاز

هر لفظی از اول برای معنای معینی وضع شده است از این حیث که لفظ وضع شده به آن معنی اشاره دارد؛ بدون اینکه از آن معنی به معنای دیگری منتقل شود؛ چراکه واضع از اول این لغات را برای آن معنای معین وضع کرده و اگر لفظی در این معنای معین به کار رود به آن حقیقت می‌گویند و اگر در آن معنای معین به کار نرود، دیگر حقیقت شمرده نمی‌شود بلکه مجاز نام دارد؛ زیرا از آن معنی اصلی و اول به معنای دومی منتقل شده است. بنابراین، مجاز آن لفظی را گویند که غیر معنای اصلی دلالت کند و در واقع حقیقت، اصل است و مجاز، فرع.

باید به این نکته توجه شود که برای هر مجازی ناگزیر یک حقیقتی است و صحیح نیست به کلمه‌ای مجاز اطلاق شود بدون اینکه آن کلمه معنی حقیقی داشته باشد؛ زیرا مجاز اسمی است که برای موضوعی در آن از مکانی به مکان دیگر، انتقالی انجام شود؛ یعنی انتقال از یک معنای حقیقی به یک معنی ثانوی که حقیقت نیست. عکس این مسئله صادق نیست که برای هر حقیقتی حتماً یک مجاز فرض شود. مثل «اسماء اعلام»، برای اینکه این اسماء برای تشخیص ذوات وضع شده‌اند و تشخیص صفات در حیطه کاری آن نیست.

بلاغیون بر اینکه مجاز ابلغ از حقیقت است، اتفاق نظر دارند؛ زیرا زمانی که جنگجو به «اسد» و مرد کریم به «بحر» تشبیه می‌شوند، بر شجاعت وجود حمل می‌شود؛ زیرا شجاعت ملازم با اسد است و وجود هم تابعی برای بحر است و این حمل، دلالت و تبعیت برای حال آن ظهور ظاهرتر و روشن‌تر است و برای ظهور آن معنا قوی‌ترین تمکن در نفس را دارد و این امر بلیغ‌تر بودن مجاز را از حقیقت یک قاعده ثابت می‌کند و زمانی که مجازی آورده می‌شود غرض بلاغی دارد که در به‌کارگیری حقیقت حق چنین غرض بلاغی ادا نمی‌شود. در این میان، قرآن که همچنان بر حقایق شامل است بر مجاز هم شمول است و آیات قرآنی که در معنای حقیقی به کار رفته است و از معنی حقیقی عدول نکرده است که وجود الله (تبارک و تعالی) و وحدانیت، اسماء و صفاتش سخن می‌گوید. اینکه مجاز در قرآن کریم به کار رفته یا نه، مورد اختلاف است، اما برخی آن را جایز می‌دانند که در این صورت، استعمال مجاز در قرآن به عنوان یکی از صنایع بدیع بهره‌گیری از زبان ادبی و شمول معنایی و تأثیر مجاز در فهم مضامین بلند قرآنی است.

مجاز هم از لحاظ زیبایی صوری متن و هم از لحاظ زیبایی معنای متن که در ظاهر و شکل آن پنهان شده است، زیباست و یک گام جلوتر از ظاهر حرکت کرده و مخاطب را به سوی معنایی عمیق‌تر می‌کشاند. زیبایی دیگر مجاز در قرآن روند به دست آوردن معناست که ذهن را به چالش می‌کشد و زمانی که از مجاز رمزگشایی می‌شود با اندیشیدن در قرینه‌ها و علاقه‌های میان معانی حقیقی و مجازی به واقعیت آن سوی مجاز پی برده می‌شود.

در ادامه برخی از آیات سوره الرحمن که در آن مجاز به کار رفته است، بیان می‌شود: در آیه شریفه ۲۷ سوره الرحمن، اضافه «وجه» به «ربک» بیانیه است و استعمال «وجه» در ذات، همچون استعمال «ایدی» در «انفس» مجاز مرسل است (صافی، ۱۴۱۸، ۹۵/۲۷؛ آلوسی، ۱۴۲۱، ۱۰۷/۱۴)، اما در نگاه علامه، در این آیه مجاز لغوی است و رابطه آن با تشبیه نیست بلکه رابطه مجاورت است و در این آیه مراد از واژه «وجه»، معنای لغوی «وجه» نیست (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۲۶۵/۱۹).

۵-۷. کنایه

کنایه به عبارتی گفته می‌شود که همراه با معنای حقیقی، لازم معنای حقیقی از آن برداشت می‌شود و در کنایه به دلیل عدم وجود قرینه احتمال معنای حقیقی و احتمال لازم معنای حقیقی هردو وجود دارد. به تعبیر جرجانی، در کنایه یک معنی وجود دارد و یک معنی معنی (جرجانی، ۱۹۸۸). کنایه از عناصر پرمایه و ژرف است و توجه ویژه می‌طلبد. در مطالعات سنتی ادبیات، کنایه را ترکیب یا جمله‌ای معرفی می‌کنند که مراد گوینده معنی ظاهری آن نباشد (صفوی، ۱۳۸۳).

آیه «ولمن خاف مقام ربه جنتان؛ و برای هر کس که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ است» (الرحمن: ۴۶)، متضمن صنعت کنایه است یعنی، «موقعیتی که بندگان خدا در روز قیامت برای حساب در آنجا می‌ایستند خوف مؤمنین را به قیام الله (تبارک و تعالی) اثبات کرد تا احاطه خداوند و هیمنه او و علم او را اراده نماید که در این صورت هر معصیت اجتناب می‌کند» (عبدالقادر، ۱۴۰۵)

آیه «فیهن قاصرات الطرف لم یطمثهن إانس قبلهم و لا جان؛ در آنها دلبرانی چشم خمار است که به همسران خود چشم می‌دوزند که پیش از آنها دست هیچ انس و جنی به آنها نرسیده است» (الرحمن: ۵۶)، کنایه از عفت است؛ زیرا زنی که نگاهش را پایین آورد و چشمانش را ببندد و به غیر همسر خود به مرد نامحرم دیگری خیره نشود، متصف به عفت و پاکی می‌شود (عبدالقادر، ۱۴۰۵، ص ۲۲۲).

آیه «و الأرض وضعها للأنام؛ و زمین را برای آدمیان آفرید» (الرحمن: ۱۰)، کنایه از تسلط انسان بر زمین و تسلیم بودن آن در برابر انسان و بهره‌هایی است که انسان از زمین بر می‌دارد. کلمه «وضعها» نشان از این دارد که زمین بنا بر خواست الهی مسخر انسان است و انسان توانایی دارد که از آن بهره‌مند گردد و بر زمین از هر نظر مستولی است و آنها را برای مصلحت خویش مسخر سازد (مدرسی، ۱۳۷۷، ۲۹۷/۱۴).

کلمه «متکئین» در آیات ۵۴ و ۷۶ سوره الرحمن به معنای تکیه دادن، کنایه از آسودگی و آرامش روح و روان انسان در بهشت است. این آیات در صدد ذکر نعمت‌های بهشتی برای ساکنین آن است و تصویرسازی زیبایی که به صورت کنایی از تکیه دادن بر بالش‌های سبز رنگ و فرش‌های زیبا و دیبا برای نشان دادن آسودگی روح و آرامش خاطر بیان شده است نشان عظمت قرآن و بهره‌گیری قرآن از زیبایی‌های هنری زیبایی است که در این آیات به کار گرفته شده است.

۵-۸. حس آمیزی

حس آمیزی عبارت است از: توسعه‌هایی که در زبان از رهگذر آمیختن دو حس به یکدیگر ایجاد می‌شود. استعاره و مجاز شکل عام این توسعه‌هاست و شاخه معینی از این توسعات که براساس آمیختن دو حس ایجاد می‌شود، حس آمیزی نامیده می‌شود؛ مثل جیغ بنفش یا آواز روشن. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵) «کأنهن الياقوت والمرجان؛ گویی که آنها یاقوت و مرجانند» (الرحمن: ۵۸)؛ یاقوت سرخ، و مرجان سفید رنگ است و در این آیه از باب حس آمیزی دو رنگ متفاوت در کنار هم آمده است که همسران بهشتی به آن تشبیه شده‌اند. در قلمرو حس آمیزی پیرامکان‌ترین حس‌ها حس بینایی است که رنگ مهم‌ترین عناصر ادراکات این حس است. رنگ در صور خیال، یکی از موثرترین عوامل آفرینش است هم از نظر مجازی‌های شعری و هم از نظر اهمیتی که در خلق تشبیهات و استعاره‌های متحرک و حسی دارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲).

۵-۹. تشخیص

صنعت «تشخیص» به معنی جان بخشیدن به اشیاء و طبیعت است. بدین صورت که برای آنها ویژگی‌هایی انسانی در نظر گرفته می‌شود. تشخیص یکی از مهم‌ترین روش‌های ارائه تصویر زنده و پویاست (روحانی و فیاضی، ۱۳۸۸). باید به این نکته توجه شود که جان بخشی در قرآن فقط یک آرایه بدیعی نیست، بلکه این صنعت در چارچوبی مشخص و در تحسین عمیق معنایی اتفاق می‌افتد و در هدف جان بخشی در متن قرآن درک این چارچوب ضروریست. (میر،

۱۳۸۸) در آیه «و النجم و الشجر یسجدان؛ و گیاه و درخت سجده می‌کنند» (الرحمن: ۶) استعمال واژه «یسجدان» در «نجم» و «شجر» نوعی جان‌بخشی است.

۵-۱۰. ایجاز و حذف

از جمله هنر سازه‌هایی که در یک متن موجب تشخیص کلمات و رستاخیز واژه‌ها می‌شود نوعی از فشرده کردن و ایجاز است که از قوانین خاصی تبعیت نمی‌کند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵) ایجاز صنعت «حذف» از شیوه‌های پر کاربرد در قرآن کریم است که با تکیه بر بلاغت، ترسیم‌گر لطایف و معانی ژرفی است. ایجاز و حذف قرآنی، کم‌ترین خللی در بیان مفهوم و معانی به وجود نمی‌آورد، بلکه با ایجاد قالبی زیبا و هوشمندانه معنا را به بهترین شکل و با ظرافتی خاص به شنونده می‌رساند، به طوری که اگر آن محذوف در کلام بیاید دیگر زیبایی معنای مورد نظر نیز از میان خواهد رفت.

در آیه «علم القرآن؛ قرآن را آموخت» (الرحمن: ۲)، فعل «علم» دو مفعولی است که مفعول دوم به سبب شمول آن حذف شده است. در آیه «سنفرغ لکم آیه الثقلان؛ ای انسان و جن! به زودی به حساب شما می‌رسیم» (الرحمن: ۳۱)، حرف نداء حذف شده است و ثقلان هم بدل از «آیه» آمده است.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی ادبی قرآن بر این مسئله متمرکز است که قرآن چه نوع قالب، صورت، زبان، سبک و ساختاری را برای انتقال پیام، ارزش‌ها و قوانین به انسان به کار گرفته است. زیبایی‌شناسی در نص قرآنی عبارت است از: بررسی زیبایی در تمام ابعاد آن و دیدن جلال و کمال مطلق در تمام سبک‌های ممکن.

در قرآن گاهی الفاظ ادبی به کار رفته است که یا به سبب تناسب موسیقایی که این کلمات با متن قرآن دارند و یا به دلیل معنای دقیق آن که در واژه دیگری نیست، کلمه‌ای دیگری را نمی‌توان جایگزین آن نمود.

برای واژگان قرآن بیش از ۱۰ صفت بیان شده است؛ صفاتی مانند همخوانی بافت‌آوایی واژگان و زیبایی شنیداری آنها، تهی بودنشان از تنافر و ناسازگاری حروف، به‌کارگیری موسیقایی و سایه معنایی واژگان در پر بار ساختن معنای کلمات، خالی بودن کلمات قرآن از الفاظ غریب و ناخوشایند، اعتدال در ترکیب، دقت در استعمال و توجه به تفاوت‌های ظریف میان واژگانی که اهل زبان آنها را مترادف و مطابق می‌دانند.

یکی از فنون ادبی به‌کار رفته در سوره الرحمن، مقابله و فاصله است که تلفیق این دو صنعت، زیبایی دو چندان به موسیقی این سوره بخشیده است و دریافت معنای آن را دلچسب‌تر کرده است. از لحاظ تناسب واژگانی، برترین تناسبی که می‌توان در این سوره بیان کرد واژه‌های مثنی مختوم به «ان» در این سوره است که آهنگی زیبا را طنین‌انداز می‌کند. همچنین واژه‌های غیر مثنی منتهی به «ان» با ایجاد فضای تشبیه در تار و پود آیات این سوره، آهنگی گوش‌نواز را به روح شنونده ارزانی می‌کند.

مهم‌ترین دلیل تکرار آیه یا بخشی از آیه در سوره الرحمن، فضیلت و برتری آن آیه بر سایر آیات است که اهدافی مانند تذکار و یادآوری و به‌چالش کشیدن انس و جن را دنبال می‌کند. مهم‌ترین آرایه‌های تصویرگری در سوره الرحمن عبارتند از: استعاره، مجاز، کنایه، حس‌آمیزی، تشخیص، ایجاز و حذف.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دارالقرآن الکریم.
- ۱. ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۹۸۴). تفسیر التحرير و التنوير. تونس: دارالتونسیه.
- ۲. ابوادیب، کمال (۱۳۹۴). صورخیال در نظریه جرجانی. مترجم: سجودی، فرزانه. تهران: نشر علم.
- ۳. آلوسی، محمود (۱۴۲۱ هـ.ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.
- ۴. بدوی، احمد (۲۰۰۵). من بلاغه القرآن. قاهره: نهضة مصر.
- ۵. جرجانی عبدالقاهر بن عبد الرحمن (۲۰۰۱). دلائل الاعجاز فی علم المعانی. محقق: عبدالحمید هندآوی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۶. جمعه، حسین (۲۰۰۵). التقابل الجمالی فی النص القرآنی. دمشق: دارالنمیر.
- ۷. الخراط، احمد محم (۱۳۹۱). تأملات فی اسلوب التکرار القرآنی فی ضوء سورة الرحمن. نشریه العتیق، ۱(۲)، ۱۲۳-۱۳۰.

۸. رحمتی، طیبه، و قیطوری، عامر (۱۴۰۰). بررسی ساختار وجه سوره الرحمن براساس نظریه نقشی نظام مند هلیدی. نشریه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن. ۱۱۰(۱)، ۱۲۱-۱۳۳.
۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن. رشت: کتاب مبین.
۱۰. روحانی، مسعود، و فیاضی، محمد (۱۳۸۸). سهراب سپهری اندیشه‌ای عادت ستیز شعری هنجارگریز. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ۶(۲۳)، ۹۱-۱۲۶.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۸ ه.ق). الکشاف. محقق: عادل احمد عبدالموجود، و علی محمد معوض. ریاض: مکتبه العبیکان.
۱۲. زوبعی، طالب محمد اسماعیل (۱۹۹۶). من أساليب التعبير القرآنی. بیروت: دارالنهضة العربیه.
۱۳. سلاجقه، پروین (۱۳۸۹). نقد نوین در حیطه شعر. تهران: انتشارات مروارید.
۱۴. سیوطی، جلال الدین (۲۰۰۱). الاثنان فی علوم القرآن. محقق: فواز احمد زمرلی. بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲). صورخیال. تهران: انتشارات آگاه.
۱۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵). موسیقی شعر. تهران: انتشارات آگاه.
۱۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). رستاخیز کلمات. تهران: انتشارات سخن.
۱۸. صافی، محمود (۱۴۱۸ ه.ق). الجدول فی اعراب القرآن. دمشق: انتشارات دارالرشید.
۱۹. صفوی، کوروش (۱۳۸۳). از زبان شناسی به ادبیات ۲. تهران: انتشارات سوره مهر.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۵). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۱. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵). مشکوه الانوار. نجف: کتابخانه حیدریه.
۲۲. عبدالقادر، حسین (۱۴۰۵ ه.ق). القرآن و الصور البیانیه. بیروت: عالم الکتاب.
۲۳. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۲). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. محمود، یاسین (۱۴۱۸ ه.ق). من الروائع البديع. دبی: دارالفکر العربی.
۲۵. مختار عمر، احمد (۱۹۹۷). لغه القرآن در اسسه توثیقیه فنیه. کویت: مؤسسه الکویت للتقدم العلمی.
۲۶. مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۷). تفسیر هدایت. مترجم: آرام، احمد. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۷. میر، مستنصر (۱۳۸۸). فنون و صنایع ادبی در قرآن. مجله پژوهش‌های قرآنی، ۳(۵۹)، ۶۰، ۸۵، ۱۰۲.
۲۸. الهی قمشه‌ای، حسین (۱۳۷۷). مقالات. تهران: نشر روزنه.